





اخطر

بمثمر گفت مهرزم و تکرور شیوه‌ای روزنامه مردم در شهرستانی  
نظر یکار و دوز ازون های کافی و مدارج چاله‌های سفید به اقسامی  
روزنهای دینوپلیت نیمه بمثمر گفت و تکرور شیوه‌ای این علم مراسی زیر است  
اعظمار سیکردد:

- ۱- سبله‌هش ماهیان گشتته و همچنان یا لیتلر اک و روزنه‌های ماستی  
حد اکثر نای آفرین مهر ماد تصفیه شود و وجه آن ناصدم مسوات سباب کامل  
پایرس و روزنه‌های کرد.
- ۲- از این بعد بزر سباب مرغوش هر ماد باید تا نیمه ماد تصفیه  
و ارسال گردد.

در صورت عدم رعایت مراسی موقی او ارسال و روزنه پایرس آغازیان  
مشترک گفت و لذکر شناسی سوداره و ماهمه.

شاین تحسین بود. خود را کلی استهون  
از پسندیداری خود را در میان مخصوصی  
و درستی احمد میداند. مخصوصاً  
اشمیزگه و ایوانی هم را همه دار  
و نکه مهارت معجزه آشیانه در طرز  
مازی، و شفاه و هر چیز و تن صدای  
خود را شنیدند. (ماریپول)  
آریست زیر دست شوروی فروں  
اویت عمر که میکرد. حالت های  
نهایت روحی اقبال: موسری  
له بازی، یعنی شرقی، شمش  
هماییست، شغلی که در خطر سلطان  
و افراد است، سند، الشام و شبهه  
نشایر میتوانند شدید خون و غربیان  
حالات غیر طبیعی و عجیب را ایجاد  
برانظری باز شنیده اند. هر کجا، هر چیز  
فریادها، نشترها و تجهیزاتی میتوانند  
خدمت میباختند و بتوکی اند که شام ایثار  
و زیارت را در خصوصیت خود میگردند  
(تمثیل مکار) و لرستان مخصوصیت  
که شوره راه سه نهضم شده است  
سرمه کلی ایما میشود، و قتلی  
منظمه یکی از مخصوص را اخراج هم  
چیز و ایل خود میگیرد و شکنجهان را گیری  
و اکسل کلی و شکنجهان را گیری  
نمیباشد. ولی مرد انتقام خواه و پیغامبر  
بین در نهایت خوبی بازی و پرس و پرس  
باید دست و دیده (را) (شنبه کن) که بو  
مناه (زین)

لرستان موضع برداشته شده است که اینها  
تزویی آسمه و جو اصلاح میمهد که  
یکی از دوستان ایل را وی و دوکانه  
شیخ شهوری او ایله خواهد بیرون و  
شده و پس از مدتی ایشان شامه میگردند  
و رسیده است. میس پرس از از در  
دیگری طبع و علمه لرستان (زین)  
شناخته (که ایشان را یک سکانی  
بوده است) با شدم منکه. در نیمه  
این شرکه و میلادت اتفاق میگذرد موسی  
مخصوصیت ازین حداده ایشان  
و همچون می شود و امور ایشان میگردند  
خود را بخواهند.

ناهانگار آغاز شد!

این هم که یکی از چهارین  
محصولات ۱۹۴۱ کارخانه های (ال)  
بلزم است به عبارتی و ترتیب ازیست های  
من پیشواریاری و ترتیب ازیست های  
کارخانه ایشان صرف طلاق از نظر  
شدن چندست از ایجاد صیغه شوری و  
کلی و در گوشه های مخصوصیت ایشان  
که این چشم معمولی بوده و از این  
و درست صحنی بزرگ باشید که صدر این  
کارخانه ایشان را ایشانها نهاده

- پایی -  
 باورلک پرسیده :  
 - عده من باید کجا مزول نگذد  
 - من حالا بوسیله تلویون از اینکه می پرسم :  
 درجه دار ان را کنم و در اینکه تاریخ کنار خانه پنهان شد مدار  
 یکنفعه از اطاعت یارون آنمه مسنو و داد  
 - چه ها، مسلسل را افسوس واه بردازید، واه بعدیه جنب سرهنگ  
 صور کند.  
 باورلک دسته حاوی اسپ و اکشیده کنار خانواده نشست که از در چراها  
 روشن بود توافق کرد. دوسره هنوز مرد من را گیر گردید و دند باورلک  
 طرف پیشوای خود که در پیشوایش استانه بوده برگشته دارد و داد  
 - از هوی اینه و سایر همچنان روح فراموش است. پیشنهاد و دعوه موش  
 باشد. زیها بردازید. برای خود سام و مهکانیک لذت گیر ای. استخار کو  
 چه هزار اندیشه جا هاکی من ایجا هم نمایم. اسکو و دت من هم باشد،  
 میعنی که مسخر از ازروی اسپ زین احتمال  
 دوب و روزه شترن دو غر مصالح او طرد از این باره  
 گرفت. گفته :  
 - بیطنا  
 ولی او بخت است که از هر اینچه ایجاد نکن ای اباها و اماشان طبع دارد. پیش  
 او فربت بست هر ازرسیان او می‌بایست. اسپی آهه هادر همین ترکیکی  
 بخوار چویی بشه و ده.  
 تازه و ازدیه اینه ایمان توی چونه گزند مخصوصاً هیکان لند و تبه گند  
 باورلک پیش از ایمان توی چونه مردانه از همه می پرسیده:  
 - اینکی ایه  
 معلوں گویی داشتر بروک کشتن مشغول دم و دود و مردمه دور آنها  
 شده زده شدن سکرده هر ده که دوسر کشش دو روتوخانه دیده و دلخیز برج  
 میزه توی داشتن بد اینه بله میگردید و لری یوش ایریشی مید. جلب نظر  
 خانه را میبینه.

مسکارا

یاک فاہکار سینما

یادداشت‌های زمان

لیغاری چند از زندگی زندان

هر خوب با دوچی اسلت سازی  
مکنک، سیستم هسته ای، شن، که  
حصب، ترسم و نانز ما و اس را میگیرد  
و با اینه، از اینچه عالمی هسته ای باشان  
مکنک، دست سنا و شنون نا  
هدویل کامترین نوع هر دوست.  
در این جمیع چند هر که میگیرد،  
تو سف پاده و پاره ای را در زمین چون  
تو خواص سپاه است که بوسیله آن  
لازم است مهمه ای برای ایسک بتوانیم  
اعبیت فیلم و باری گل آنرا شن  
و اینم داده و درود استفاده هم  
موده، زیرا این گذاشت که در اعبیت  
و از این سرف و دست و مرسنه  
معنی و معنی کن همراه با  
ماشکاره

ازین تر وسیه معروف بود  
سوزد پرس که هر دن شام خود را می خورد  
را در فشار باخه است صبح هم گذاشت  
و کجا بخواهد در فشار برداشته باشد  
باشه خوشیده ، هفچان و مخلف شاند و  
در آن پرچم خواهی ملاحظه شر اندیش  
و حسن آن نکند ، و برای اثبات خبر  
وش خوش در حضور زاده با موسوی از این قابل  
نماینیست و مبلغ متعاقب از ازدیگران  
برده ، پرس میدهند ، این اعلی فر  
جهن بالا نمیگشند که در مولی کلی از  
آن های مذکور اینها گردیده است  
اما می بینند ازین افراد در حضور  
از میان چند هشود نمیگذرند ، مرد  
مانند کاری نه آشمند گوید و لآخره  
خط و اندیم در تدبیت اوست و گریان  
کیم او موهنه است

از پیش با چند دشمن مبارکه اور  
مددعه، اوس مردی است و مسخر  
باشد باز و بلوس که شرارت و مواد  
را باز نشود و موقوف است و توجه  
پاریمه الله در سوی فلکهای راه راه و شور و تران  
بیرونی بود و امداد خاله اندیشی برای  
نهاد سلامت اینها، افسوس را ای  
که بروز کار کنندگان مرموزی بستاری  
در از کارهای هفت خوار صافه است.  
در این زمانه هفت خوار بسیار  
جهد و مضمون سریع است از قرار.  
خانی و شهروانی است برداشت و نیام  
نوبه مود و آنچه زن خود سام  
است که هدایا از عذرخواه خارج نمود.  
این طبقه بزرگترین طبقه از طبقه هفت خوار است.  
زدن خوده مطعن و پاهه کهی بلطف  
درانه تسبیح رسکی کو اورا برهم نمود  
زدن صاحبجهه هفچت برس است ولی  
برای ایشانه روز و نوش شده با امکانش  
تو آنمه و خود را اسلام داشت ایشانه  
شیوه ای که کوچکه در مسدس شدند ایشانه  
شده بود ایشانه کوچکه هفت خوار  
نمی توانست مددعه بود از ایشانه  
هرگز آن خارج نشدم اینکه ایشانه  
چون موضوع دستم بور مرد مسخر  
بود، مطری برقی که مگن در میان  
آسمانی انسانی هم و غیره،  
نیز یکچنان که باری و شکایت طلاق  
که این خوار هفت خوار شهی دهی که جان  
نمود تو را دور خود راهه ایشانه جان  
میگردید، طوری که با خود ایشانه  
بس ایشانه به یکچنان که سه ایزوی  
نیزه هفت خوارهای از طبقه هفت خوار است  
که گویند این طبقه هفت خوار میگذند، ای سه که  
موده هفت خوار هفت خوار، بالآخره  
ظرف هفت خواری و بالآخره هفت خوار  
من ایشانه شکر جان چشم من  
ایشانه و دلائل هفت خوار هموده  
که ایشانه بود ایشانه ایشانه ایشانه  
مود و حلاوه نایخ بیکوئی ایشانه که  
ایشانه بود خوار ایشانه مود همان

شمارا مخصوص بزرگ شواهد کرد  
و هیئتی از جاسوسها و بدهن رزپ  
و دادر بتر او متوجه شدند. معلوم است که  
از درجه سیاسی هست باهم همچو افراد  
است شهادت زیر این دادره که از  
سخن در مردم خود پس داده بمناسبت میکرد  
برای درست آن داده که مستانی اتفاق  
کند، فقط اوراق روزنه پسر شد  
و درجه برای مستغانق و امامی برای  
ملوک روزنه رسانید. مردمی که کرد  
جهانگیری از این اغواوی را بجز این اصراف  
میکردند اغلب رسای ایام خدا خود  
مستغانق خود گرفته علاوه از اصراف،  
قصد های بروک و نوتم های عظمی  
داشت از پر بخش و جمل مطالعه خود  
داری می شودند از آنستی را کسی  
مستغانق خود را که اینستی میگذارد  
که منزه به گردشی سایر از  
گشته است.

در اورون ریاست آر. و. نا  
کلاری را که اهتز میگردید را  
متوجه شدند و از این امور میگذرد  
(و این صدیده حدود) که از  
معصری سیاسی اصراف هست و یک  
حرب ایلانی سیاسی هم بود و از اصراف

ولی انتباش و مسلط از امور میگذرد  
از حسنین که تقدیر چهارچوب از اصراف  
که گرفت و اگر کسی حتی با مطلع باش  
نکتب ها از اصراف می گردید و از امور  
یا این امور میگذرد که این امور از اصراف  
و دنیا همچنانش ای این امور از اصراف  
را برای الو قوشن می گردید. اگرچه  
نمیتوان آن باشی هم در این میدان  
و گذخواه زمانی را بین گرفتند.  
بله ملعونین این هیئت و مشتارها  
باشد خوشبودی و حتی اینستی میگذرد  
که میدانند این امور می گردید اینستی  
جهانگیری است اکنون این امور دست  
یا باره باره بزند و ناود کند  
بسیاری از اهالی این شهر را گذشت  
این کاران می گردید از آنستی  
میگذرد و عزیزی و فرمودن ۵۰۰ که هردو  
مردانه عالم گردید که این دو  
مسلط هر یک آیه را مسلط از امور از اصراف  
صرف بطل ای این اصراف در امور میگذرد  
دوش دیگر برای اگر کسی از اصراف  
ناشکن آن ایاهو و خطیع و داده  
بشد که مسلط در بار با فرمان داشت  
را این امور میگذرد که این اصراف

